



ارزیابی مواجهه رئیس جمهوری با ناآرامی های اخیر

در گفت و گو با محمود واعظی قائم مقام حزب اعتدال و توسعه

پزشکیان به دنبال حل پایدار

مسائل اجتماعی و کاهش خشونت است

تأخیر در اصلاحات، به انباشت مشکلات و افزایش احتمال بروز چالش های جدید منجر می شود



گفت وگو

هداد احمدی

گروه سیاسی

تأکید رئیس جمهوری پزشکیان بر شفافیت در اطلاع رسانی، شنیدن صدای معترضان و بررسی علمی ریشه های ناراضیاتی های اجتماعی، نشانه چرخشی معنادار در رویکرد دولت نسبت به تحولات اخیر است. رویکردی که به جای واکنش های احساسی، بر تحلیل

شرایط پیچیده جامعه نیستند. از

این رو، این سیاست ها نیازمند نقد، بازنگری، اصلاح و در برخی موارد حتی اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت باز هم و رئیس

نهاد ریاست جمهوری دولت دوازدهم در مصاحبه با «ایران»، پیام اصلی این رویکرد را این طور بیان می کند که دولت، حل پایدار مسائل اجتماعی و کاهش خشونت را در گرو نقد صادقانه سیاست ها، تقویت سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت حکمرانی عقلانی و مبتنی بر شواهد می داند. مسیری که اگر با پشتوانه کارشناسی و تداوم دنبال شود، می تواند امید عمومی، رضایت مردم و ثبات کشور را تقویت کند.

شرایط پیچیده جامعه نیستند. از این رو، این سیاست ها نیازمند نقد، بازنگری، اصلاح و در برخی موارد حتی اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت باز هم و رئیس نهاد ریاست جمهوری دولت دوازدهم در مصاحبه با «ایران»، پیام اصلی این رویکرد را این طور بیان می کند که دولت، حل پایدار مسائل اجتماعی و کاهش خشونت را در گرو نقد صادقانه سیاست ها، تقویت سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت حکمرانی عقلانی و مبتنی بر شواهد می داند. مسیری که اگر با پشتوانه کارشناسی و تداوم دنبال شود، می تواند امید عمومی، رضایت مردم و ثبات کشور را تقویت کند.

شرایط پیچیده جامعه نیستند. از این رو، این سیاست ها نیازمند نقد، بازنگری، اصلاح و در برخی موارد حتی اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت باز هم و رئیس نهاد ریاست جمهوری دولت دوازدهم در مصاحبه با «ایران»، پیام اصلی این رویکرد را این طور بیان می کند که دولت، حل پایدار مسائل اجتماعی و کاهش خشونت را در گرو نقد صادقانه سیاست ها، تقویت سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت حکمرانی عقلانی و مبتنی بر شواهد می داند. مسیری که اگر با پشتوانه کارشناسی و تداوم دنبال شود، می تواند امید عمومی، رضایت مردم و ثبات کشور را تقویت کند.

شرایط پیچیده جامعه نیستند. از این رو، این سیاست ها نیازمند نقد، بازنگری، اصلاح و در برخی موارد حتی اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت باز هم و رئیس نهاد ریاست جمهوری دولت دوازدهم در مصاحبه با «ایران»، پیام اصلی این رویکرد را این طور بیان می کند که دولت، حل پایدار مسائل اجتماعی و کاهش خشونت را در گرو نقد صادقانه سیاست ها، تقویت سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت حکمرانی عقلانی و مبتنی بر شواهد می داند. مسیری که اگر با پشتوانه کارشناسی و تداوم دنبال شود، می تواند امید عمومی، رضایت مردم و ثبات کشور را تقویت کند.

شرایط پیچیده جامعه نیستند. از این رو، این سیاست ها نیازمند نقد، بازنگری، اصلاح و در برخی موارد حتی اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت باز هم و رئیس نهاد ریاست جمهوری دولت دوازدهم در مصاحبه با «ایران»، پیام اصلی این رویکرد را این طور بیان می کند که دولت، حل پایدار مسائل اجتماعی و کاهش خشونت را در گرو نقد صادقانه سیاست ها، تقویت سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت حکمرانی عقلانی و مبتنی بر شواهد می داند. مسیری که اگر با پشتوانه کارشناسی و تداوم دنبال شود، می تواند امید عمومی، رضایت مردم و ثبات کشور را تقویت کند.

شرایط پیچیده جامعه نیستند. از این رو، این سیاست ها نیازمند نقد، بازنگری، اصلاح و در برخی موارد حتی اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت باز هم و رئیس نهاد ریاست جمهوری دولت دوازدهم در مصاحبه با «ایران»، پیام اصلی این رویکرد را این طور بیان می کند که دولت، حل پایدار مسائل اجتماعی و کاهش خشونت را در گرو نقد صادقانه سیاست ها، تقویت سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت حکمرانی عقلانی و مبتنی بر شواهد می داند. مسیری که اگر با پشتوانه کارشناسی و تداوم دنبال شود، می تواند امید عمومی، رضایت مردم و ثبات کشور را تقویت کند.

که با مشکلاتی همچون بیکاری، فشارهای اقتصادی و محدودیت های معیشتی مواجه اند یا به طور کلی احساس ناراضیاتی، فشار در زندگی روزمره و نهایتاً عدم امید به آینده دارند. طبیعی است که در چنین شرایطی، تبلیغات منفی و مدیریت شده می تواند اثرگذاری مضاعفی همراه داشته باشد. لذا اگر بررسی این موضوع از مسیر علمی، جامعه شناختی و روان شناختی انجام شود، می تواند بسیار راهگشا باشد.

واقعیت این است افرادی که به مهم را یک پیام امیدوارکننده تلقی می کنند. پیمای که بیابگر عزم دولت برای شناسایی ریشه های ناراضیاتی و حرکت به سمت فهم عمیق تر مسائل اجتماعی و ارائه راه حل های مؤثر و ماندگار است. اگر این اصلاحات و بازنگری ها با دقت، صداقت و پشتوانه کارشناسی دنبال شود، می تواند زمینه ساز افزایش رضایت عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای امید مردم به آینده و نهایتاً تقویت مشروعیت نظام شود. چرا که امید مردم پیش از هر چیز، به آینده داخلی کشور و بهتر بگویم سرنوشت خانواده ایرانی گره خورده است. مردم خواهان آن هستند که ایران بماند، ثبات داشته باشد و دولتی کارآمد بر سر کار باشد. دولتی که بتواند رفاه مضاعف، معیشت قوی و سفره ای گسترده تر برای مردم فراهم کند.

این مسیر اصلاح و بازنگری دقیقاً در پاسخ به همین مطالبه شکل گرفته و اگر با جدیت و استمرار دنبال شود، می تواند نتایج مثبتی برای جامعه، نظام و کشور به همراه داشته باشد.

به نظر شما، اصلاح سیاست ها و تقویت سرمایه اجتماعی تا چه اندازه می تواند از تأثیرگذاری تبلیغات رسانه های معاند بر جوانان جلوگیری کند؟

باید بپذیریم که بخشی از ناراضیاتی هایی که در جامعه ایران وجود دارد، به عنوان یک بستر و زمینه عمل می کند. بستری که رسانه ها و جریان های معاند می توانند روی آن سرمایه گذاری کرده و با سوار شدن بر کسل های اجتماعی و نارسایی های جاری پیام های خود را با اثربخشی بیشتری منتقل کنند. این مسأله به ویژه درباره جوانانی صادق است

معاند خارجی قرار گرفت. این رسانه ها با برنامه ریزی هدفمند تلاش کردند بر بخشی از معترضان، بویژه جوانان ناراضی، اثر بگذارند و با هدایت عوامل خود مسیر اعتراضات را از مطالبه گیری مسالمت آمیز به سمت تنش، التهاب و اغتشاشات سوق دهند.

آن بخشی از جامعه که تحت جو روانی ایجاد شده و بسته به شرایط هیجانی و احساسی تحت تأثیر این فضا سازی ها قرار گرفت، بیش از هر چیز نیازمند توجه، گفت وگو و اصلاح سیاست های داخلی است. البته پیشگیری به جای واکنش از طریق سیاست هایی که منجر به افزایش رضایت عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد مردم به نظام، حاکمیت و دولت شود، می تواند بخش قابل توجهی از این مشکلات را کاهش دهد.

این دقیقاً همان مسیری است که به نظر می رسد در دستورکار آقای رئیس جمهوری قرار گرفته و امیدوارم با همت مجموعه وزارت علوم و بهره برداری مطلوب از ظرفیت نخبگان، به اصلاحات مؤثر و پایدار منجر شود.

تقویت همزمان انسجام داخلی و سیاست خارجی فعال تا چه اندازه می تواند از تکرار فشارها و توطئه های خارجی علیه ایران جلوگیری کند؟

غائله اخیر یک بعد مهم دیگر نیز دارد که نباید از آن غفلت کرد و آن، تحریکاتی است که از خارج کشور صورت می گیرد. به زعم بنده، اغتشاشات اخیر به حوادث بیست و سوم خرداد بازمی گردد؛ برهه ای که موضوع صرفاً مطالبات داخلی نبود، بلکه رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا به دنبال اهدافی فراتر، از جمله تضعیف ایران، ایجاد جنگ داخلی، تغییر رژیم و نهایتاً تجزیه کشور، علناً حمله نظامی را برگزیده و با قبول کردن هزینه های گزاف این ماجراجویی، متحمل شکستی بزرگ شد.

نکته حائز اهمیت این است که در هر دو برهه و در برابر این طراحی های شوم، واکنش مردم ایران بسیار تعیین کننده بود. وحدت ملی، حمایت مردم از ایران، پشتیبانی از نیروهای مسلح از حمله ارتش و سپاه و همراهی با دولت و حاکمیت، موجب شد سناریویی که طراحی شده بود، با شکست مواجه شود. در کنار این عوامل، نقش قدرت بازدارندگی و اقدامات دفاعی ایران نیز در برهم زدن معادلات دشمن بسیار مؤثر بود.

حوادث اخیر در دی ماه ادامه جنگ دوازده روزه خرداد و نوعی تلاش برای جبران شکست های پیشین بود که مردم فهیم برای صیانت از ایران عزیز با وحدت و همدلی ایستادگی کردند؛ تا شمی مذبحخانه که این بار در قالب ناامنی و التهاب داخلی و در رو بای ایجاد جنگ داخلی در ایران دنبال شد که با ایستادگی و همراهی مردم، اهداف شوم دشمنان با شکست روبه رو شد.

لذا با توجه به مسائلی که گفته شد در کنار تقویت انسجام داخلی و افزایش رضایت مردم، اصلاح سیاست خارجی نیز ضروری انگازناپذیر است. موازن سیاست خارجی عقلانی، موازن و مبتنی بر تنش زدایی هوشمندانه می تواند با تأمین و حفظ منافع ملی، هزینه توطئه گری دشمنان را افزایش داده و مجال اقدامات سلبی مداخله جویانه را از آنها بگیرد.

به نظر شما، کدام اصلاحات عملی در سیاست های اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی می تواند پیش از همه احساس واقعی دلجویی و افزایش رضایت را در میان مردم ایجاد کند؟ آیا تنها دلجویی از مردم می تواند تسکین باشد؟

دلجویی از مردم، همان گونه که آقای رئیس جمهوری نیز به درستی اشاره کردند، اقدامی لازم و فوری است، اما ماهیتی کوتاه مدت دارد. مردم زمانی احساس می کنند واقعاً مورد توجه قرار گرفته اند که این دلجویی در تصمیمات و سیاست های عملی دولت نمود پیدا کند.

قدرتانی از همراهی مردم در مقاطع حساس، ضروری است، اما کافی نیست. مردم انتظار دارند که این قدرتانی به بهبود ملموس شرایط زندگی آنها منجر شود؛ به افزایش رفاه، کاهش فشارهای اقتصادی، تقویت امید به آینده و ارائه راه حل های اجرایی برای مطالباتشان بینجامد. معیار واقعی در ارزیابی میزان موفقیت دلجویی، افزایش رضایت عمومی در نظرسنجی های معتبر و احساس بهبود در زندگی روزمره مردم است. بدون اصلاح سیاست هایی که کارایی خود را از دست داده اند، تغییرات مورد مطالبه محقق نخواهد شد. لذا چه در حوزه سیاست های اقتصادی، چه سیاسی و چه اجتماعی، بازنگری جدی مورد نیاز است؛ بازنگری ای که مبتنی بر عقلانیت، اعتدال و منافع ملی باشد.

صحت از موضوعی فراتر از دلجویی به همراه اصلاحات درجوبی. به نظر شما، کدام یک از این اصلاحات در سیاست خارجی و داخلی می تواند سریع تر بر بهبود معیشت مردم و افزایش امید اجتماعی اثر بگذارد؟

در بعد خارجی، تلاش جدی برای رفع تحریم های ظالمانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی کشور به طور مستقیم با غیرمستقیم به تحریم ها بازمی گردد.

در کنار آن، تنوع بخشی به روابط خارجی، گسترش بازارهای صادراتی، جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری های نوین می تواند به رشد تولید، اشتغال و بهبود معیشت مردم کمک قابل توجهی کند. در بعد داخلی نیز، اصلاح ساختارهای ناکارآمد، بهبود نظام تصمیم گیری و تسهیل بهره وری، افزایش شفافیت و تقویت پاسخگویی دولت می تواند اعتماد عمومی را تقویت کرده و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد. این مجموعه اقدامات، در کنار یکدیگر، می تواند مسیر بهبود پایدار را هموار کند.

مهم ترین پیامد تعویق در اصلاح سیاست ها و حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی چیست و این تعویق چه تأثیری بر آینده اعتراضات در کشور می تواند داشته باشد؟

تجربه نشان داده که به تعویق انداختن حل مشکلات، نه تنها آنها را برطرف نمی کند، بلکه هزینه های حل آنها را از آینده افزایش می دهد. اگر نسبت به بسیاری از مسائل امروز، در زمان مناسب خود تصمیم گیری می شد، یا هزینه ای به مراتب کمتر می شاهد آن مسائل نبودیم. تأخیر در اصلاحات، تنها به انباشت مشکلات و موانع و از همه مهم تر افزایش احتمال بروز چالش های جدید منجر می شود.

چگونه می توان فضایی ایجاد کرد که در آن منتقدان علاوه بر بیان مشکلات، به ارائه راه حل های عملی و قابل اجرا نیز تشویق شوند؟ آیا می توان گفت به خاطر کوتاهی یا غفلت از چنین رویکردهایی اعتراضات در ایران تکرار می شود؟

باز کردن فضا برای نقد، اگر به درستی مدیریت شود، می تواند به ارتقای کیفیت حکمرانی منجر شود. بدون شنیدن اصوات نقادانه منصفانه و بحق، رشد و پیشرفت حاصل نخواهد شد و منتقدان باید فرصت بیان دیدگاه های خود را داشته باشند، اما با توجه به اینکه تقریباً همه مشکلات کشور مشخص هستند، باید به ارائه راه حل های اجرایی و مؤثر تشویق شوند.

استفاده از ظرفیت نخبگان، دانشگاهیان و دلسوزان کشور و توجه به پیشنهادهای عملی آنها، می تواند به تصمیم گیری دقیق تر، افزایش اعتماد عمومی و حرکت در مسیر توسعه پایدار ایران منجر شود.



سیاسی

یادداشت

رحمت الله بیگدلی

عضو سابق حزب جمهوریت ایران اسلامی

بسترهای ناراضیاتی تراشی

حادثه ای که در دی ماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد بسیار دردناک و ناراحت کننده بود. تحلیل جامع علل خارجی و داخلی رویداد اخیر و مسئولیت دولت و حاکمیت در این زمینه، نیازمند بررسی دقیق ابعاد مختلف این حادثه است. سخنان آقای پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی ایران که در آن به مسئولیت حاکمیت در برابر آسیب دیدگان و ضرورت شنیدن صدای مردم اشاره کرده اند، می تواند نقطه شروعی برای این تحلیل باشد.

علل اصلی خارجی حوادث اخیر عبارتند از:

۱. **تحریم های گسترده، بی سابقه و فشار های اقتصادی:** تحریم های اقتصادی سنگین که عمدتاً از سوی آمریکا و کشورهای غربی اعمال می شود، آثار مستقیم و عمیقی بر زندگی مردم در کشورهای هدف دارند. این تحریم ها باعث افزایش قیمت کالاهای اساسی، کاهش منابع مالی دولت ها و گسترش فقر می شوند. در نتیجه، این فشارها می توانند مردم را به اعتراض و ناراضیاتی وادار و وضعیت اجتماعی را بحرانی کنند. حدود ۲۷ سال است که آمریکا اقدام به تحریم های سنگین علیه ملت ایران کرده است و اخیراً تصریح کردند که ما بر ملت ایران فشار می آوریم تا آنان را علیه حاکمیت بشوانیم.

۲. **دخالت ها و تحریک های آمریکا و رژیم صهیونیستی:** آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان دو بازیگر اصلی در بحران های خاورمیانه همواره کوشیده اند که با استفاده از فشارهای اقتصادی، تحریم ها و حمایت از گروه های معارض بر کشورهای منطقه تأثیر بگذارند. در بسیاری از موارد، این سیاست ها به ایجاد تنش های داخلی و تحریک و انحراف اعتراضات مردمی منجر شده است. حمایت های اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی از گروه های مخالف و معاند در داخل کشورها می تواند به تشدید بحران ها و ناراضیاتی های عمومی دامن بزند. آمریکا و رژیم صهیونیستی با راه انداختن ده ها شبکه رادیویی و تلویزیونی و صد ها هزار اکانت در شبکه های اجتماعی و به کار گرفتن امپراطوری رسانه ای غرب یک جنگ روانی تمام عیار علیه ایران و جمهوری اسلامی راه انداخته است.

۳. **جنگ های نیابتی و تروربسم:** جنگ های نیابتی و حمایت از گروه های تروریستی در منطقه می تواند به بی ثباتی و افزایش خشونت ها در کشورهای مختلف منجر شود. این اقدامات که از سوی برخی قدرت های خارجی بالاخص آمریکا و رژیم صهیونیستی حمایت می شوند، علاوه بر ایجاد بحران های سیاسی و اجتماعی به از هم پاشیدگی ساختارهای اجتماعی و دولتی نیز کمک می کنند و زمینه ای برای بروز اعتراضات و خشونت ها فراهم می آورند.

۴. **دخالت دولت های حامی منافع غرب:** بسیاری از کشورهایی که تحت حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارند در عین اینکه دارای دولت های غیر مومکراتیک هستند در راستای سیاست های آمریکا و رژیم صهیونیستی در حمایت گروه های معاند جمهوری اسلامی اقدام می کنند.

علل داخلی حوادث اخیر

درست است که دشمنان ایران بالاخص آمریکا و رژیم صهیونیستی در بروز این رویداد تأسّف بار نقش اساسی داشتند و براساس شواهد و قرائن موجود از سال ها پیش برای این واقعه هولناک برنامه ریزی کرده بودند، اما نباید از این نکته غفلت ورزید که تلاش های دشمنان ایران بدون وجود زمینه مساعد نمی تواند توفیق چندانی داشته باشد. سخنان آقای پزشکیان پیشگبان معطوف به این نکته است که مبادا با احاله علل حوادث اخیر به خارج و بیگانگان از علل داخلی غفلت شود و زمینه اصلاح از بین برود. از این رو لازم است در کنار توجه به علل خارجی به علل داخلی هم پرداخته شود.

علل اصلی حوادث اخیر عبارتند از:

۱. **سوء مدیریت و فساد:** ضعف های مدیریتی، فساد مالی و اداری و ناتوانی در رفع مشکلات اقتصادی و رضایتی های عمومی را شدت می بخشد و بسترساز اعتراضات مردمی می شود.

۲. **فقر و نابرابری اجتماعی:** شکاف های طبقاتی و عدم توزیع عادلانه منابع موجب اعتراضات و بی ثباتی اجتماعی می شود.

۳. **حذف بخش هایی از مردم از مدیریت کشور:** حذف بخش هایی از مردم از عرصه سیاست و تصمیم گیری و نادیده گرفتن خواسته ها و حقوق گروه های مختلف اجتماعی یکی از علل عمده ناراضیاتی و اعتراضات است. هنگامی که بخش هایی از جامعه احساس کنند که از فرآیندهای سیاسی و تصمیم گیری ها کنار گذاشته شده اند، بویژه در جوامعی که ادعای دموکراسی و مشارکت مردمی دارند، این احساس بی عدالتی می تواند به اعتراضات مردمی منجر شود.

وقتی گروه های مختلف احساس کنند که نمایندگان آنها در ساختار تصمیم گیری حضور ندارند یا صدای شان شنیده نمی شود، بی اعتمادی افزایش می یابد. این بی اعتمادی می تواند به افزایش شکاف های اجتماعی، اعتراضات و ناراضیاتی هادامن بزند و بسترساز خشونت شود.

مازینتو لورکینگ می گوید: «هیچ چیز خطرناک تر از این نیست که جامعه ای بسازیم که در آن بیش تر مردم حس کنند هیچ سهمی در آن ندارند؛ مردمی که حس می کنند سهمی در جامعه دارند از آن جامعه محافظت می کنند، ولی اگر چنین احساسی نداشته باشند، ناخواه گام می خواهند از جامعه را ناپود کنند.»

۴. **ممانعت از اعتراضات مسالمت آمیز:** برخوردهای سخت گیرانه با اعتراضات مسالمت آمیز، نه تنها راه چاره نیست، بلکه به اعتراضات بیش تر دامن می زند و بسترساز خشونت های تند می شود.

مسئولیت دولت و حاکمیت در قبال حوادث اخیر:

۱. **پذیرش مسئولیت و تعامل با اعتراضات:** سخنان آقای پزشکیان که بر پذیرش مسئولیت حاکمیت در قبال آسیب دیدگان و ضرورت شنیدن صدای مردم تأکید دارند، به طور خاص بر ضرورت تعامل با اعتراضات و رسیدگی به مشکلات اشاره دارد. دولت باید با گوش دادن به خواسته های بحق مردم از آنها در برابر فشارها و تهدیدات دفاع و از بروز خشونت جلوگیری کند. مسئولیت دولت در این زمینه نه تنها به حل مشکلات داخلی، بلکه به کاهش تأثیرات بحران های خارجی و برخورد های نادرست با مردم نیز مربوط می شود.

۲. **اجرای عدالت و انصاف:** اشاره آقای پزشکیان به ضرورت رعایت عدالت و انصاف در برخورد با بازداشت شدگان و آسیب دیدگان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. دولت باید در همه مراحل، از زمان بازداشت افراد گرفته تا زمان محاکمه، اطمینان حاصل کند که حقوق شهروندان حفظ شده و از برخوردهای اخیر نادرست و خشونت آمیز جلوگیری می شود.

۳. **تحلیل علل خشونت و مقابله با عوامل خارجی:** دولت باید به طور جدی به تحلیل علل و ریشه های خشونت ها پرداخته و در کنار شناسایی مشکلات داخلی از تحلیل و مقابله با فشارهای خارجی نیز غافل نشود. برای مثال باید با تقویت اقتصاد داخلی، ایجاد فرصت های شغلی و بهبود وضعیت معیشتی مردم از تأثیرات منفی تحریم ها و فشارهای خارجی کاسته شود. همچنین، باید سیاست هایی برای تقویت وحدت ملی و مقابله با دخالت های خارجی تدوین شود.

۴. **رعایت آزادی بیان:** دولت باید نسبت به رعایت آزادی بیان حساس باشد و از هرگونه مخالفت با آزادی های اساسی پرهیز کند. سخنان رئیس جمهوری درباره شنیدن صدای مردم و پذیرش اعتراضات باید در عمل به کشودن فضای سیاسی و اجتماعی برای بیان نظرات مختلف منجر شود.

شنیدن صدای مردم در صورتی ممکن است که رسانه های فراگیر بالاخص صداسوسیا فراجناحی باشند و مردم صدای نمایندگان واقعی خود را از این رسانه ها که با پول خودشان اداره می شوند بشنوند. در نهایت، در یک جمع بندی کلی می توان گفت: مسئولیت دولت و حاکمیت در مواجهه با رویدادهای اخیر بویژه در شرایطی که عوامل داخلی و خارجی به بحران ها دامن می زنند بسیار حساس است. پذیرش مسئولیت و اقدامات عملی برای رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اساسی، در کنار مقابله با فشارهای خارجی، می تواند به بازسازی اعتماد مردم به حاکمیت کمک کند. علاوه براین، دولت باید با تعامل سازنده با مردم، اجرای عدالت و رعایت حقوق بشر، زمینه های خشونت و بحران را کاهش دهد و از تداوم بحران ها جلوگیری کند.